

# امیر المؤمنین (ع) از نگاه رضوی

سیدجلال حسینی

درآمد

علی (ع) شخصیتی بزرگ و بی‌بدیل است که در طول تاریخ همواره مورد مدح و ستایش بزرگان بوده است. شناخت امیر المؤمنین و ویژگی‌های ایشان، راه‌های گوناگونی دارد؛ اما بی‌شک بهترین راه شناخت ایشان، روایات معصومین (ع) است. حضرت رضا (ع) در مناسبت‌های مختلف، به زوایایی از شخصیت آن امام همام اشاره فرموده است، که ما در این نوشتار به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱. نصب امام توسط پیامبر (ص) به دستور خدا در اندیشه رضوی، ولایت و امامت، تنها یک جایگاه سیاسی، اجتماعی نیست؛ بلکه امام از سوی خدا منصوب می‌شود تا زمین هیچ‌گاه از حجت خالی نباشد؛ چراکه «اگر زمین از حجت خالی باشد و یک لحظه بدون امام بماند، اهل خود را فرو می‌برد». از این رو رسول الله (ص) به دستور خداوند علی (ع) را به جانشینی خود منصوب کردند. حضرت رضا (ع) تحلیل جامعی از نقش اجتماعی امام و این‌که امام از سوی خداوند تعیین می‌شود و از مقام عصمت برخوردار است، بیان فرموده است: عبدالعزیز بن



مسلم گوید: با امام رضا(ع) در مرو بودیم. روز جمعه‌ای در اوایل ورود، با عده‌ای در مسجد جامع اجتماع کردیم و سخن پیرامون مسئله امامت درگرفت و از اختلاف‌های بسیاری که درباره آن شده بحث به میان آمد. سپس من نزد آقای خود (امام رضا) آمدم و او را از این که مردمان در این باره سخن می‌گویند، آگاه کردم. امام لبخندی زد و فرمود: ای عبدالعزیز! مردمان ندانستند و در اندیشه‌های خود دچار فریب شدند. خدای عزوجل جان پیامبر خود را نگرفت، مگر آن گاه که دین را برای او تمام کرد و قرآن را بر او فرو فرستاد، که در آن بیان هر چیز است؛ در آن حلال و حرام و حدود و احکام و همه آنچه را که مردمان به آن نیاز دارند، به تمامی واضح و آشکار ساخت، و خود فرمود: «ما فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ»؛ در کتاب از هیچ چیز فروگذار نکردیم. و در حَجَّةِ الْوُدَاعِ که سَبَّالِ آخِرِ عَمْرِ بِبِیْأَمْبِرٍ(ص) بود، این آیه نازل شد: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»؛ امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام کردم، و اسلام را دین شما برگزیدم.

امامت، متمم دین است و پیامبر(ص) از دنیا بیرون نرفت، مگر آن گاه که نشانه‌های دین را برای امت آشکار ساخت و راه درست را به ایشان نشان داد و آنان را بر راه راست قرار داد و علی(ع) را علم و امام ایشان معین کرد و هیچ چیز را که امت به آن نیازمند بودند، بیان ناکرده باقی نگذاشت. پس هر که گمان برد که خدای عز و جل دین خود را تمام نکرده، کتاب خدا را رد کرده و هر کس کتاب خدا را رد کند، به آن کفر ورزیده است.

آیا مردم قدر امامت و جایگاه آن را در امت می‌دانند که گزینش ایشان در آن روا باشد؟ امامت بلندمرتبه‌تر و گران‌مایه‌تر و استوارتر و ژرفتر از آن است که مردمان با خرده‌های‌شان بتوانند به آن برسند، یا با اندیشه‌های خود از آن آگاه شوند، یا امامی را به گزینش خویش اختیارکنند. امامت آن است که خدای عزوجل، ابراهیم خلیل(ع) را پس از پیامبری و دوستی خود، به آن مخصوص گردانید و فضیلتی بود که او را بدان مشرف ساخت و او را به آن نامور کرد و فرمود: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا»؛ من تو را برای مردمان، امام و پیشوا قرار می‌دهم؛ و چون خلیل(ع)



**از موضوعاتی که امام رضا(ع) بر آن بسیار تاکید داشتند، مسئله واقعه غدیر بود و در احادیث مختلف به این موضوع پرداخته‌اند. علی بن طاووس در «اقبال» به ذکر مهم‌ترین فرمایشات حضرت رضا(ع) در این باره پرداخته است.**

که با این عنوان بسیار خشنود شده بود - پرسید: «وَمِنْ ذُرِّيَّتِي»، خدای متعال فرمود: لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ؛ عهد من (امامت) نصیب ستمکاران نخواهد شد.<sup>۱</sup> شیعه از دیرباز با استناد به قرآن کریم و آیه يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ... و الیوم اکملت لکم دینکم و رضیت لکم الاسلام دینا» معتقد است که پیامبر در واقعه غدیر این دستور خدا را به اجرا گذاشت.

از موضوعاتی که امام رضا(ع) بر آن بسیار تاکید داشتند، مسئله واقعه غدیر بود و در احادیث مختلف به این موضوع پرداخته‌اند. علی بن طاووس در «اقبال» به ذکر مهم‌ترین فرمایشات حضرت رضا(ع) در این باره پرداخته که بخشی از آن را ذکر می‌کنیم:

■ روز عید غدیر همان روزی است که خداوند دین را کامل گردانید و حضرت رسول(ص) علی(ع) را در مقام خلافت و حکومت برای مردم برگزید و فضیلت و وصایت او را آشکار کرد و آن روز را روزه می‌گرفت.

■ روز غدیر را «روز کمال» می‌گویند و آن روزی است که شیاطین رانده می‌شوند، و روزی است که در آن اعمال شیعیان و دوستان آل محمد(ص) پذیرفته می‌شود، و روزی است که در آن خداوند، اعمال مخالفان را رد می‌کند و آن‌ها را ناچیز می‌شمارد.

■ غدیر روزی است که خداوند به کاتبان اعمال مردم فرمان می‌دهد تا از نوشتن اعمال دوستان اهل بیت علیهم السلام و شیعیان آنها خودداری کنند و به احترام محمد(ص) و علی(ع) از آنان درگذرند.

■ غدیر روزی است که در آن روز، باید جامه نیکو پوشید و لباس‌های سیاه را از تن به در کرد و آن روزی است که غم‌ها در آن زدوده می‌شود و گناهان شیعیان امیرالمؤمنین(ع) آمرزیده می‌شود.

■ غدیر روزی است که خداوند در آن روز دین اسلام را کامل کرد و آن را پسندید و روز عید آل محمد(ص) است. روز قبولی اعمال و آسایش مؤمنان است و روزی است که باید از خداوند، بسیار حاجب خواست و با یکدیگر دید و بازدید کرد.

■ غدیر روز تبریک و تهنیت است و هرگاه مؤمنی برادرش را ملاقات کند، می‌گوید: «الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایه امیر المؤمنین و الائمه».<sup>۲</sup> از امام رضا علیهم السلام در موضوع اثبات اساس امامت که از علی(ع) آغاز می‌شود، ۷۳ روایت نقل شده است.<sup>۳</sup> علاوه بر این روایات، در مناظرات و پاسخ به سؤال‌ها نیز این مسئله را طرح و در هر فرصتی این اصل را بیان می‌فرمود.

## ۲. جایگاه امیر مؤمنان(ع)

شناخت کامل شخصیت والای امیرالمؤمنین علی(ع) و جایگاه او در جهان هستی، در حد بشر نیست؛ چه رسول اکرم(ص) خطاب به او می‌فرماید: «یا علی لا یرفک الا الله و انا»؛ ای علی! تو را هیچ‌کس نشناخت جز خدا و من.<sup>۵</sup> از این رو باید گفت شناخت جایگاه امیرالمؤمنین فقط توسط معصومان ممکن است و در توان هیچ بشری نیست. در این مقام، به برخی از سخنان حضرت رضا(ع) در این باره اشاره می‌کنیم.

**الف. علی(ع) قسمت‌کننده بهشت و جهنم:** حضرت رضا(ع) از رسول‌الله(ص) نقل می‌فرماید که ایشان خطاب به علی(ع) فرمودند: «یا علی انک قسیم الجنة و النار»؛<sup>۶</sup> ای علی! همانا تو تقسیم‌کننده بهشت و جهنمی.

این روایت به صورت «قسیم النار والجنة» و «قسیم النار» و «قسیم الجنة و النار»، در منابع مختلف آمده است.<sup>۷</sup>

اما چرا به امیرالمؤمنین(ع) «قسیم النار والجنة» می‌گویند؟ در پاسخ به این سؤال، اباصت هروی چنین نقل کرده است:

روزی مأمون به امام رضا(ع) عرض کرد: به چه علت امیرالمؤمنین علی(ع) قسیم الجنة و النار خوانده شده است؟ حضرت فرمودند: آیا نشنیده‌ای که پدرت از پدرانش، از ابن عباس نقل کرده است که گفت: از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود: دوستی علی ایمان، و دشمنی او کفر است؟ مأمون گفت: آری. امام(ع) فرمودند: اگر تقسیم بهشت و دوزخ بر اساس دوستی و دشمنی با وی باشد، او قسمت‌کننده بهشت و دوزخ است. مأمون گفت: ای ابوالحسن! خداوند مرا پس از تو زنده نگذارد! گواهی می‌دهم که تو وارث علم پیامبر خدایی.<sup>۸</sup>

حضرت رضا(ع) با استناد این روایت به پدران مأمون، جای هیچ ایرادی به راویان از جانب مأمون باقی نمی‌گذارند و مأمون در مقابل این استدلال منطقی، چاره‌ای جز سکوت ندارد؛ چه بسا با وجود روایت دوم که استدلال حضرت قرار گرفت، باید خود را دوست امیرالمؤمنین اعلام کند، وگرنه در دسته جهنمیان قرار می‌گیرد.

**ب. عرضه اعمال بر امیر مومنان(ع):** بر اساس اخبار وارده از ائمه معصومین(ع) پیامبر(ص) و همه معصومان از اعمال امت آگاه می‌شوند؛ یعنی خداوند از راه‌های خاصی، اعمال امت را بر آنها عرضه می‌دارد.

عبدالله بن ابان زیات گوید: به محضر حضرت رضا(ع) شرفیاب شدم و از ایشان خواستم تا برای من و خانواده‌ام دعا فرمایند؛ حضرت فرمودند: آیا خیال می‌کنی من برای شما دعا نمی‌کنم؟! بلکه برای خانواده شما دعا می‌کنم. عرض کردم:

چگونه؟ امام فرمود: به خدا اعمال شما در هر روز و شب بر من عرضه می‌شود. ابان می‌گوید که این نکته بر من دشوار شد و پذیرفتنش بر من سنگین بود که چگونه می‌شود اعمال همه شیعیان را روز و شب به محضر امام عرضه کنند؟! امام رضا(ع) متوجه سؤال من شد و به من فرمود: ای ابان! مگر تو قرآن نمی‌خوانی؟! چرا باور این امر برایت سخت است؟! مگر این آیه را نخوانده‌ای که خداوند فرموده: «وَقُلْ اَعْمَلُوا فِی سَبِیْلِ اللّٰهِ عَمَلِكُمْ وَرَسُولِهِ وَالْمُؤْمِنُونَ»؛ بگو (ای محمد) در عمل بکوشید که خدا و رسولش و مؤمنان کردار شما را می‌بینند. عرض کردم: آری، خوانده‌ام. امام فرمود: به خدا قسم منظور از مؤمنون، علی بن ابی‌طالب و ائمه معصومین هستند.

باید توجه داشت که عرضه اعمال، دارای اثر تربیتی شگرفی است؛ زیرا هنگامی که انسان بداند علاوه بر خداوند که همه جا با اوست، پیامبر(ص) و پیشوایان محبوب نیز هر روز از هر عملی که انجام می‌دهد، در هر نقطه و هر مکان، اعم از خوب و بد، آگاه می‌شوند، بدون شک، بیشتر مراقب اعمال خود خواهد بود.

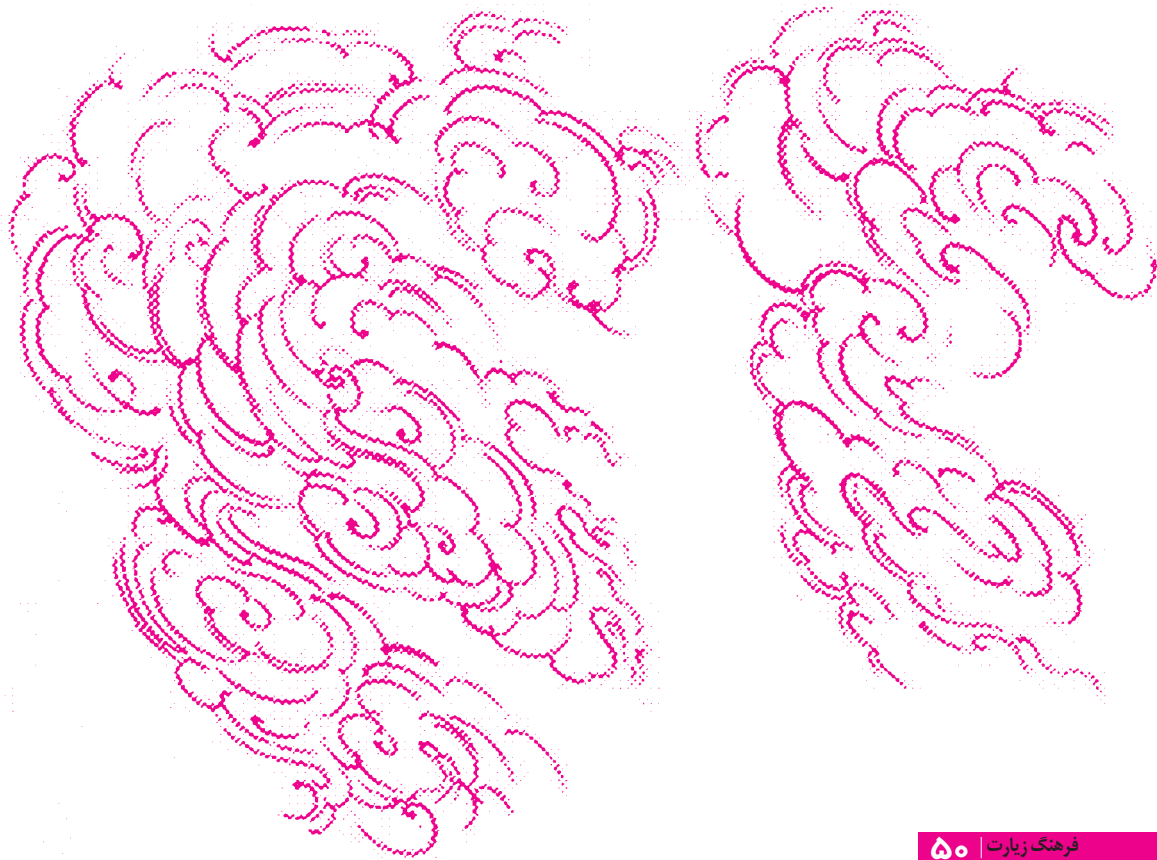
**ج. بزرگ‌ترین فضیلت:** روزی مأمون به امام رضا(ع) عرض کرد: بزرگ‌ترین فضیلت امیر مؤمنان(ع) که قرآن بر آن دلالت کند چیست؟ امام رضا(ع) فرمود: همانا آیه مباهله است. خدای عزوجل فرمود: «فَمِنْ حَاجِكَ فِیهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ اَبْنَاءَنَا وَ اَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ اَنْفُسَنَا وَ اَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَعْنَتَ اللّٰهِ عَلٰی الْكَافِرِیْنَ»؛ پس رسول خدا(ص) امام حسن و امام حسین را برای مباهله دعوت کرد که هر دوی آنها فرزندانش بودند و همچنین فاطمه(س) را دعوت کرد که در آن هنگام وی جزو زنان مورد اشاره آیه بود، و نیز امیرمؤمنان(ع) را فراخواند که به حکم آیه شریفه، نفس رسول خدا به شمار می‌رفت. پس ثابت شد که هیچ یک از بندگان خدا والاتر از رسول خدا و افضل از او نبوده‌اند و همچنین لازم آمده که هیچ کس افضل از نفس رسول خدا که علی بود، به دلالت آیه شریفه وجود نداشته باشد.

مأمون گفت: این استدلال در باره امام حسن و امام حسین و فاطمه(س) صحیح است، اما درباره علی(ع) درست نیست؛ چون ممکن است رسول خدا شخص خود را گفته باشد، نه فرد دیگری را. پس آیه فضیلتی برای امیرمؤمنان نخواهد بود. امام رضا(ع) در پاسخ فرمود: این سخن صحیح نیست؛ چرا که شخص دعوت کننده، همواره غیر از خود را دعوت می‌کند، نه خود را. همان‌طور که فرد دستور دهنده، همیشه به دیگری امر می‌کند، نه به خود. پس این که حضرت فرمود: «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ اَبْنَاءَنَا وَ اَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ اَنْفُسَنَا» به این معنا نیست

که خودمان را دعوت کنیم. و وقتی رسول خدا فردی غیر از امیرمؤمنان را در مباحثه فرانخواند، ثابت می‌شود که علی همان نفس پیامبر است که خداوند در قرآن به آن اشاره کرده است.

مأمون که از پاسخ امام رضا(ع) شگفت‌زده شده بود، گفت: وقتی جواب آمد، سؤال جایگاه خود را از دست می‌دهد."

سوال دیگری که به ذهن می‌رسد این است که چگونه مردم امیرالمومنین علی(ع) را با این که به فضائل و سبقت او در اسلام و موقعیت او نزد پیامبر آگاهی داشتند رها کردند و به دیگری روی آوردند؟



امام رضا(ع) در این باره می‌فرماید: سبب این که مردم امیرالمؤمنین را با این که فضائل او را می‌دانستند، ترک کرده و به دیگران گراییدند، جز این نبود که او بسیاری از دشمنان خدا و پیامبر او را - از اجداد و پدران و برادران و عموها و خالوها و نزدیکان آنها - به قتل رسانده بود؛ از این رو کینه او را در دل داشتند و نمی‌خواستند بر آنها فرمانروا شود، ولی از دیگران چیزی در دل نداشتند؛ زیرا آنان در زمان پیامبر گرامی اسلام مانند حضرت علی جهاد نکرده بودند و به همین علت از او رویگردان و به دیگران مایل شدند.<sup>۱۳</sup>

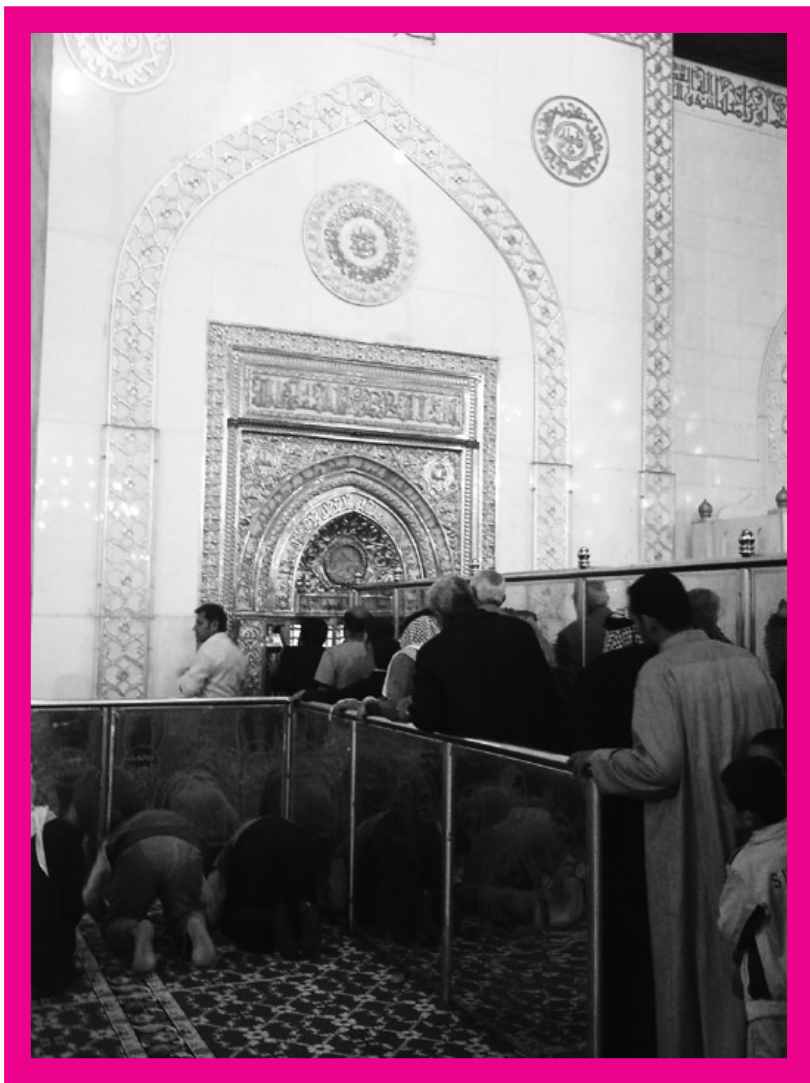
### ۳. سیره سیاسی

درباره سیره سیاسی حضرت علی(ع) ممکن است پرسش‌هایی مطرح شود که از مهم‌ترین آنها دو پرسش ذیل می‌باشد که حضرت رضا(ع) به آنها پاسخ داده‌اند:  
**الف. سکوت ۲۵ ساله:** چرا علی(ع) ۲۵ سال خانه‌نشین بود و با دشمنان خدا پیکار نکرد و سرانجام در ایام حکومتش با دشمنان جهاد کرد؟

امام رضا(ع) در پاسخ به این سوال می‌فرماید: او به پیامبر خدا(ع) اقتدا کرد که پس از بعثت، در مدت ۱۳ سال اقامت خود در مکه و پس از هجرت به مدینه تا ۱۹ ماه، با مشرکان جهاد نکرد و این به سبب کم‌شمار بودن یار و یاور بود. علی(ع) نیز به علت کم بودن یارانشان، از مبارزه با دشمنانش خودداری کرد. پس همان‌طور که به رسالت پیامبر خدا(ص) خللی وارد نمی‌شود، به امامت علی(ع) نیز زیانی وارد نمی‌شود؛ چون خودداری آنها از جهاد، یک علت مشترک داشت.<sup>۱۴</sup>  
**ب. فدک:** چرا علی(ع) هنگامی که ولی امر مردم و خلیفه و زمامدار بود، فدک را بازنگرداند؟

حضرت رضا(ع) در پاسخ این سؤال فرمودند: چون ما خاندانی هستیم که اگر زمامدار شویم، گرفتن حقوق

**امام رضا(ع) می‌فرماید: سبب این که مردم امیرالمؤمنین را با این که فضائل او را می‌دانستند، ترک کرده و به دیگران گراییدند، جز این نبود که او بسیاری از دشمنان خدا و پیامبر او را از اجداد و پدران و برادران و عموها و خالوها و نزدیکان آنها به قتل رسانده بود؛ از این رو کینه او را در دل داشتند و نمی‌خواستند بر آنها فرمانروا شود، ولی از دیگران چیزی در دل نداشتند؛ زیرا آنان در زمان پیامبر گرامی اسلام مانند حضرت علی جهاد نکرده بودند و به همین علت از او رویگردان و به دیگران مایل شدند.**



○ محل شهادت حضرت امیر(ع)

خود را از کسانی که به ما ستم کرده‌اند، به خدا واگذار می‌کنیم؛ زیرا ما سرپرست مؤمنانیم و تنها برای حفظ حقوق آنها در برابر ستمکاران، حکومت را می‌پذیریم و درصدد بازستاندن حقوق خود نیستیم.<sup>۱۴</sup>

نکته قابل توجه این است که احقاق حقوق مؤمنان، یکی از شاخصه‌های مردان الهی و متصل به بی‌نهایت است که امام معصوم به عنوان یک وظیفه از آن یاد می‌کند. حقوق مردم و سرپرستی و ولایت بر مردم، کاری نیست که انسان درگیر در تلاطمات نفسانی بتواند از آن به سلامتی عبور کند.

امام در این جملات قصار به همه بشریت اعلام می‌کند که حکومت‌پذیری انسان‌های الهی بر مردم، برای خود مردم است و اگر نفع و ثمری بر آن مترتب گردد، اولین گروهی که از آن بهره‌مند می‌گردند، خود مردم خواهند بود.

### شهادت و زیارت

**الف. آگاهی علی(ع) از شهادت خود:** امیرمؤمنان بارها شهادت خود را پیش‌گویی کرده و فرموده بود که محاسنم به خون سرم خضاب خواهد شد. آن امام مظلوم، حتی قاتل خویش را نیز به خوبی می‌شناخت!

حسن بن جهم گوید: به حضرت (ع) عرض کردم: همانا امیرالمؤمنین(ع) قاتل خود را شناخته بود و می‌دانست که در چه شبی و در چه مکانی کشته می‌شود و چون نعره مرغابیان را در خانه شنید، فرمود: «اینها نعره‌زنانی هستند که نوحه‌گرانی پشت سر دارند» و چون ام‌کلثوم عرض کرد: کاش امشب در خانه نماز بخوانی و برای نماز جماعت، دیگری را بفرستی، نپذیرفت و در آن شب بدون اسلحه در رفت و آمد بود؛ در صورتی که می‌دانست ابن‌ملجم (لعنه‌الله) او را با شمشیر می‌کشد و اقدام به چنین کاری جایز نیست.

امام رضا(ع) فرمود: آنچه گفتمی درست است؛ ولی خودش اختیار فرمود که در آن شب، مقدرات خدای عز و جل اجرا شود.<sup>۱۵</sup>

**ب. مکان قبر امیرالمؤمنین(ع):** بنا بر وصیت ایشان به حسنین(ع) جسم مطهرشان در شب و به صورت پنهانی دفن شد؛ از این رو تا مدت‌ها به جز اندکی از خواص شیعه، کسی از قبر آن حضرت اطلاع نداشت، تا این که حضرت صادق(ع) در زمان سفاح (اولین خلیفه عباسی) هنگامی که به عراق تشریف آوردند، به جمع کثیری از شیعیان و اصحاب خود قبر آن حضرت را نشان دادند و برای قبر ایشان علامتی ساختند. از این رو باید گفت که بر اساس نقل‌های متواتر قبر شریف آن حضرت در همین موضع معروف در نجف است. راوی گوید از



تصویری قدیمی از بارگاه حضرت امیر(ع)

حضرت رضا(ع) پرسیدم: جای قبر امیرالمؤمنین(ع) کجاست؟ حضرت فرمودند: غری.<sup>۱۶</sup>

**ج. زیارت امیرالمؤمنین(ع):** زیارت، انس است و اعلام ارادت و اطاعت، و برای هر زائری، زیارت زیباترین لحظه احساس، انس و پیوند است. از این رو پس از هر زیارتی، دیدار دوباره را می طلبد و بی قرار فرصت بعد است تا در اولین زمان، به زیارت مراد و محبوبش بیاید. زیارت و حضور در کنار مرقد پاک معصومین علیهم السلام تجدید عهد با محور توحید و امامت پیشوایان دین و نیز استوار ماندن در امتحانات مختلف زندگی است. امام رضا(ع) می فرماید:

«ان لکل امام عهداً فی عنق اولیائه و شیعتہ و ان من تمام الوفاء بالعهد و حسن الأداء زیاره قبورهم فمن زارهم رغبه فی زیارتهم و تصدیقاً بما رغبوا فیہ كانوا ائمتهم شفعاءهم یوم القیامه»؛ به راستی برای هر امامی بر گردن دوستان و پیروانش پیمانی است که از شرطهای وفا به این پیمان، زیارت قبور آنان است. هر کس ایشان را از روی رغبت و میل زیارت کند، در روز قیامت ایشان شفیعان او خواهند بود.<sup>۱۷</sup>

در خصوص زیارت امیرالمؤمنین(ع) در روایات وارده، فضائل بسیاری بیان شده است. حضرت رضا(ع) در پاسخ به سؤالی، زیارت امیرالمؤمنین(ع) را بر زیارت امام حسین(ع) افضل دانسته اند.<sup>۱۸</sup>

بر اساس نقل‌های متواتر قبر شریف آن حضرت در همین  
موضع معروف در نجف است.

راوی گوید از حضرت رضا (ع) پرسیدم: جای قبر  
امیر المؤمنین (ع) کجاست؟ حضرت فرمودند: غری.

○ ○ ○

در خصوص زیارت امیر المؤمنین (ع) در روایات وارده،  
فضائل بسیاری بیان شده است. حضرت رضا (ع) در پاسخ به  
سؤال، زیارت امیر المؤمنین (ع) را بر زیارت امام  
حسین (ع) افضل دانسته‌اند.

#### پی‌نوشت

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۷۹؛ عزیزالله عطاردی، مسند الامام رضا (ع)، ج ۱، ص ۸۸.
۲. مسند الإمام الرضا (ع)، ج ۱، ص ۹۶؛ شیخ صدوق، معانی الأخبار، ص ۹۵.
۳. سید بن طاووس، اقبال الاعمال: ۴۶۸؛ مسند الإمام الرضا (ع)، ج ۲، ص ۱۷ و ۲۱.
۴. مسند الإمام الرضا (ع)، ج ۱، ص ۱۱۲-۱۲۸.
۵. محمدتقی مجلسی، روضة المتقین، ج ۱۳، ص ۲۷۳.
۶. شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۲۷؛ مسند الإمام الرضا (ع)، ج ۱، ص ۱۲۵.
۷. الکافی، ج ۴، ص ۵۷۰؛ معانی الاخبار، ص ۲۰۶؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۹؛ فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۱۰۰ و ۱۱۸؛ طبری، المستزبد، ص ۲۶۴؛ امالی شیخ مفید، ص ۲۱۳؛ امالی شیخ طوسی، ص ۳۰۵ و ۶۲۹؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۰۹ و ۳۴۱؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۸ و ج ۳، ص ۲۸؛ سید بن طاووس، الطرائف، ص ۷۶؛ سیدهاشم بحرانی، مدینه المعاجز، ج ۱، ص ۲۸۰.
۸. عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۸۶؛ مسند الإمام الرضا (ع)، ج ۲، ص ۱۳۲.
۹. الکافی، ج ۱، ص ۲۲۰.
۱۰. آل عمران، آیه ۱۱۱ پس هر که در این [باره] پس از دانشی که تو را [حاصل] آمده، یا تو محاجه کند، بگو: بیایید پسرانمان و پسرانمان و زنانمان و زنانمان و ما خوششان نزدیک و شما خوششان

- نزدیک خود را فرا خوانیم، سپس مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغ‌گویان قرار دهیم».
۱۱. شیخ مفید، الفصول المختارة من العیون و المحاسن، ص ۳۸؛ مجلسی، بحار الأنوار ج ۴۹، ۱۸۸ باب ۱۴ ص ۱۵۷.
۱۲. بحار الأنوار، ج ۲۹، ص ۴۸۰.
۱۳. شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۴۸؛ عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۸۱ ح ۱۶.
۱۴. علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۵۵، ح ۳؛ بحار الأنوار، ج ۲۹، ص ۳۹۶، ح ۳؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّة، ج ۲، ص ۱۱۶؛ عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۸.
۱۵. الکافی، ج ۱، ص ۲۵۹؛ مسند الإمام الرضا (ع)، ج ۱، ص ۱۱۲.
۱۶. از نام‌هایی که درباره نجف به کار برده شده، واژه «غری» است. این واژه از ماده «غرو» و در لغت به معنای خوب‌ترین هر چیزی یا بنای زیباست. «غری» اسم محلی در کوفه است که قبر مطهر امیرمؤمنان (علی) در آن‌جا واقع شده‌است. رک: معجم ما استعجم من أسماء البلاد والمواضع، ج ۲، ص ۹۹۶؛ تحقیق: مصطفی السقا، ناشر: عالم الکتب - بیروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۳هـ؛ فخرالدین الطریحی، مجمع البحرين، ج ۱، ص ۳۱۵؛ تحقیق: السید أحمد الحسینی، ناشر: مکتب النشر الثقافة الاسلامیه، طبع الثانیة: ۱۴۰۸.
۱۷. علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۵۹ و من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۷۷؛ الکافی، ج ۴، ص ۵۶۷.
۱۸. سید بن طاووس، فرحة القرى - بصرحة القرى، ص ۱۰۴.